

Journal iranian political sociology

Vol. 4, No 4, winter 2021

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.313.46.2571>

Pathology of the policies of the Islamic Republic of Iran to control the migration of elites

Elite migration has been one of the issues that has faced many challenges in the country since the formation of the Islamic Revolution. From the Islamic Revolution and then the imposed war, it was obvious that due to the change of the political system as well as the political, economic and social instabilities resulting from the war, a wave of migration and brain drain from Iran would occur. But the continuation of the process of elite migration after the end of the war (and the establishment of a political order in Iran) raises the question of what are the policies of the Islamic Republic of Iran to combat the migration of scientific elites? In response to this hypothesis, it has been suggested that the policy of the Islamic Republic of Iran to combat elite migration, including economic policies, policies to return elites to the country, facilities granted to finalists of the Olympiad, policies to play a pivotal role in the student mobility market Be international and policy-making in the field of research. The results of the present study show that the Islamic Republic of Iran has adopted various policies to combat the migration of elites. The most important of these policies are economic policies, policies to return the elites to the country, facilities to be awarded to the finalists of the Olympiad, policies to play a pivotal role in the international student mobility market and policy-making in the field of research. Is. However, these policies have faced numerous harms and challenges that have failed to prevent the migration of elites. The most important of these injuries are injuries caused by research policies, lack of proper information about support programs, pathology of policies resulting from the mobility of international students, and injuries caused by lack of proper bedding for the elite. In the present study, using the method of basic-theoretical research in a descriptive-analytical method and based on library studies, different angles of this issue are addressed.

فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره چهارم (پیاپی ۱۶) زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۷۱-۲۹۰

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.313046.2571>

آسیب شناسی سیاستگذاری های جمهوری اسلامی ایران برای مهار مهاجرت نخبگان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۸

حجت الله ملکشاهی^۱

نفیسه واعظ^۲

فائزه تقی پور^۳

چکیده

مهاجرت نخبگان از جمله مسائلی بوده است که از زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی تا کنون کشور را با چالش‌های زیادی روبرو کرده است. از وقوع انقلاب اسلامی و سپس جنگ تحمیلی بدیهی بود که به سبب تغییر نظام سیاسی و همچنین بی‌ثباتی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از جنگ، موج مهاجرت و فرار مغزها از ایران به وجود آید. اما ادامه روند مهاجرت نخبگان پس از پایان جنگ (و برقراری سامان سیاسی در ایران) این سوال را به ذهن متبادر می‌سازد که سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با مهاجرت نخبگان علمی کدامند؟ در پاسخ این فرضیه مطرح شده است که سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با مهاجرت نخبگان شامل سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، سیاستگذاری در جهت بازگشت نخبگان به داخل کشور، تسهیلات اعطایی به برگزیدگان مرحله نهایی المپیاد، سیاستگذاری در جهت ایفای نقش محوری در بازار تحرک دانشجویان بین‌المللی و سیاستگذاری در حوزه پژوهش باشد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با مهاجرت نخبگان، سیاست‌گذاری‌های مختلفی را به کار گرفته است. از مهم‌ترین این سیاستگذاری‌ها می‌توان به سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، سیاستگذاری در جهت بازگشت نخبگان به داخل کشور، تسهیلات اعطایی به برگزیدگان مرحله نهایی المپیاد، سیاستگذاری در جهت ایفای نقش محوری در بازار تحرک دانشجویان بین‌المللی و سیاستگذاری در حوزه پژوهش را به کار گرفته است. با این حال، این سیاست‌گذاری‌ها با آسیب‌ها و چالش‌های متعددی مواجه بوده است که نتوانسته است از مهاجرت نخبگان جلوگیری کند. از مهم‌ترین این آسیب‌ها می‌توان به آسیب‌های ناشی از سیاست‌گذاری‌های پژوهشی، عدم اطلاع‌رسانی مناسب نسبت به برنامه‌های حمایتی، آسیب‌شناسی سیاستگذاری‌های ناشی از تحرک دانشجویان بین‌المللی و آسیب‌های ناشی از عدم بسترسازی مناسب برای نخبگان اشاره داشت. در پژوهش حاضر با استفاده از روش پژوهش بنیادی - نظری به روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای به زوایای مختلف این مساله پرداخته می‌شود.

کلمات کلیدی:

آسیب شناسی، سیاست‌گذاری، مهاجرت، نخبگان علمی، فراز مغزها، انقلاب اسلامی

^۱ گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ دانشیار گروه علوم ارتباطات، واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران

یکی از مهم ترین پدیده‌های اجتماعی قرن معاصر، مهاجرت نخبگان است. مهاجرت نخبگان یعنی عده‌ای از افراد باهوش و مستعد در زمینه‌های مختلف، کشور خودشان را ترک کرده و به سوی کشورهای توسعه یافته‌تر می‌روند. این در حالی است که آنان از امکانات و منابع کشور ابتدایی خود استفاده کرده و بازدهی آن را در کشورهای دیگر به ثمر می‌نشانند که با این کار کشور مبدأ ضرر و کشور مقصد در ازای ایجاد برخی امکانات سود بسیار زیادی به دست می‌آورد. این پدیده که به نوعی می‌توان آن را «استثمار نو» خواند باعث اثرات زیانبار هویتی می‌شود. برای جلوگیری از این مسئله کشورهای در حالی توسعه دو راه دارند یا چنان حس ناسیونالیستی در میان مردم خود ایجاد کنند که تمام دغدغه مردم شان کمک به کشور و هم وطنان خود باشد یا با فراهم آوردن برخی امکانات و شرایط مانع از دست رفتن افراد خود بشوند. این موارد و امکانات شامل مسائل اجتماعی، سیاسی اقتصادی، فرهنگی و زیربنایی می‌باشد که لازمه‌ی هر جامعه خواهان پیشرفت، فراهم نمودن شرایط و امکانات است.

مهاجرت نخبگان از ایران دارای سابقه ای طولانی می باشد. اما اکنون میزان فرار مغزها از ایران به جایی رسیده است که ایران را جزو سه کشور دارای بالاترین میزان فرار مغزها در جهان در آورده است. اگر بخواهیم موجهای مهاجرتی در ایران را تشریح سازیم می توان به چند موج اشاره داشت:

- مهاجرت پارسیان به هند پس از ورود اسلام به ایران

- مهاجرت اهل سنت به کشورهای همسایه پس از ظهور دولت‌های شیعی

به طور کلی، نقش دولت‌ها در افزایش مهاجرت نخبگان بر کسی پوشیده نیست. هر چند طی سالهای گذشته اقداماتی در جهت مهار مهاجرت نخبگان صورت گرفته ولی با این حال باید گفت که این اقدامات در حدی نیست که بتواند جواب گوی نخبگان و تامین کننده خواست‌ها و تقاضاهای آنان باشد. مهاجرت نخبگان در ابعاد مختلف روند توسعه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تضعیف می‌کند. این مهم باعث می‌شود تا کشور از شمار زیادی از بهترین سرمایه‌های خود محروم شود تا آن جا که تدریجاً برای اداره امور روزمره و مدیریت دولت و نهادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود نیز همچون دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، دچار فقر و نا به سامانی و بحران خواهد شد. از سوی دیگر، مهاجرت نخبگان، زمینه‌ساز به هدر رفتن هزینه‌هایی است که صرف آموزش و تربیت نیروهای متخصص شده است و با خارج شدن آنها، تمام این هزینه‌های هنگفت را با خود به کشور مقصد می‌برند. زمانی که کشور از وجود نخبگان بی‌بهره و یا کم بهره باشد، کشور در مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... با بحران مواجه می‌شود.

مفهوم مهاجرت نخبگان

مهاجرت نخبگان عبارت است از مهاجرت افراد تحصیل کرده و کارگران ماهر از کشورهای فقیر به کشورهای ثروتمند. همچنین باید به این نکته اشاره نمود که اصطلاح گردش نخبگان زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نیروهای متخصص و یا نخبه یک کشور به کشور دیگری عزیمت کرده و در آن کشور اقامت می‌گزینند. براساس دو ملاک اقتدار و نفوذ، می‌توان نخبگان را به شش دسته تقسیم کرد: نخبگان سنتی و مذهبی، نخبگان تکنوکراتیک، نخبگان مالکیت، نخبگان کاریزمایی، نخبگان ایدئولوژیک، نخبگان سمبولیک، البته هر یک از نخبگان مذکور، ممکن است به تناسب نظام اجتماعی در جوامع خاصی مطرح شوند. نکته قابل توجه دیگر تفاوتی است که می‌توان بین مهاجرت متخصصان، روشنفکران و نخبگان قائل شد. مهاجرت سه گروه فوق الذکر از همه انواع مهاجرت‌ها مهمتر است. منظور از متخصصان و تحصیل کرده‌ها افرادی بودند که تحصیلات دانشگاهی و مشاغل علمی را بدست آورده بودند که بعدها اصطلاح در "طبقه متوسط جدید" به این گروه اطلاق شد که شامل افراد شاغل علمی، فنی و مدیریت‌های سطح بالا و اقشار پایین تر مرکب از شاغلان حرفه‌های عادی تر دفتری و

اجرای می‌شد. در حالی که روشنفکران را معمولاً متشکل از گروه‌های بسیار کوچک تری از افرادی می‌دانند که در آفرینش، انتقال و نقادی محصولات فرهنگی و اندیشه‌ها نقش مستقیمی دارند. بنابر این به نظر می‌رسد روشنفکران را تقریباً در همه جوامع می‌توان یافت (صادقی و افقی، ۱۳۸۴: ۲۵-۲۴).

نظریه‌های حوزه مهاجرت نخبگان

در خصوص مهاجرت نخبگان، نظریه‌های مهمی در عرصه جامعه‌شناسی و علوم سیاسی وجود دارد که در این بخش به تشریح مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

۱- نظریه عوامل دافع - جاذب

این نظریه اولین بار توسط اورت لی در سال ۱۹۶۶ در مقاله‌ای تحت عنوان «نظریه مهاجرت» مطرح شد (لهسایبی زاده، ۱۳۶۸: ۱۲). بنابراین ابتدایی‌ترین تحلیل‌های نظری-تبیین فرار مغزها بر حسب عوامل دافع - جاذب در (خاستگاه و کوچگاه) (مبدا و مقصد مهاجرت) بوده است (ارشاد، ۱۳۸۹: ۳۶۶).

عوامل تاثیرگذار در مهاجرت نخبگان از دیدگاه لی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱- عواملی که با حوزه مبدا ارتباط دارند

۲- عواملی که با حوزه مقصد ارتباط دارند

۳- عوامل باز دارنده

۴- عوامل شخصی (لهسایبی زاده، ۱۳۶۸: ۱۴-۱۲)

عموماً طرفداران نگرش کارکردگرایی و رفتارگرایی و پرورش یافتگان مکتب پوزیتیویسم از این مبنای نظری استفاده کردند. این تحلیلگران عموماً مهاجرت را به عنوان یک رویداده قابل اندازه‌گیری تلقی کرده و به دنبال علت‌های آن هستند. بدیهی است بر اساس این منطق صوری علته باید مقدم بر رویداده باشد. در حالی که مهاجرت از یک مکان به مکان دیگر سخت تحت تأثیر شرایط تاریخی نیز هست. بدین ترتیب تحلیل قضیه مهاجرت، بویژه فرار مغزها، بر پایه نگرش تعادل بخش حرکت‌های جسیتی بر اثر کارکرد عوامل دافع - جاذبه و به دنبال نقادی از مکتب کارکردگرایی به شدت زیر سؤال رفته است (لهسایبی زاده، ۱۳۶۸: ۱۴).

۲- الگوی جهان گرا یا بین‌المللی

در این الگو که به وسیله جانسون مطرح گردید، فرار مغزها تنها منعکس کننده عملکرد بازار بین‌المللی برای یک عامل تولید خاص، یعنی سرمایه انسانی (ژئوپلیتیک نیروی انسانی متخصص) است. در این الگو، سرمایه انسانی همانند سرمایه فیزیکی از مناطق جغرافیایی (یا مشاغلی) که دارای بازده پایین تری است خارج شده و به سمت مناطق جغرافیایی (یا مشاغلی) که دارای بازدهی بیشتری است جریان می‌یابد. این الگو می‌گوید: انتقال تخصص دارای سود دو طرفه، هم برای کشور میزبان و هم برای کشور فرستنده است و می‌باید سیاست عدم مداخله دولت در کار مردم، یعنی سیاست عدم مداخله در مهاجرت دنبال شود (گودرزی و فیض اربابی، ۱۳۸۳: ۱۹-۱۸).

طرفداران این الگو، به طور اخص «هاری جانسون»، گروبل و اسکات چنین بحث می‌کنند که پدیده ژئوپلیتیک مهاجرت بین‌المللی نیروی انسانی ماهر از دیدگاه بین‌المللی موجب افزایش منافع تولید جهانی خواهد شد. به این ترتیب، اگر چه در این الگو ممکن است مهاجرت بین‌المللی نیروی انسانی ماهر به زیان کشور مادر باشد؛ ولی تا زمانی که مجموع منافی که عاید کشور میزبان و شخص مهاجر می‌شود از زیان کشور ما در بیشتر باشد، مهاجرت بین‌المللی نیروی انسانی ماهر موجب افزایش منافع جهانی خواهد شد (فرجادی، ۱۳۷۰: ۲).

در واقع، الگوی جهان گرا یا بین‌المللی، مهاجرت نخبگان را بر اساس سود می‌سنجد و معتقد است که پدیده مهاجرت برای نخبگان، سرشار از سود برای کشورهای مقصد است. از این دیدگاه، کشورهای پرتعداد برای مهاجرت، با استفاده از اهرم و ابزارهای تشویقی درصدد هستند تا نخبگان کشورهای جهان سوم را جذب کنند.

۳- الگوی ملی گرا یا درون کشوری

این الگو که نقطه مقابل الگوی جهان گراست، معتقد است که سرمایه انسانی ماهر امروزه بعنوان کارآمدترین پتانسیل ژئوپلیتیکی جزء جدایی ناپذیر توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است و مهاجرت سرمایه انسانی ماهر موجب می‌شود که اقتصاد کشورهای در حال توسعه به پایین تر از سطح حداقل مورد نیاز سرمایه انسانی ماهر تنزل نموده و با ایجاد خلاء نیروی انسانی ماهر در کشور، موجب کاهش تولید در کشور مادر خواهد شد و در نهایت، برنامه‌های توسعه را به مخاطره می‌افکند. دیدگاه ملی گرا از منافع و مضار این پدیده در خصوص کشورهای مبدأ می‌گوید و معتقد است نظر به اینکه ملل عقب مانده برای پرکردن شکاف تکنولوژیکی خود و گام نهادن در مسیر توسعه نیازمند نیروی انسانی متخصص هستند و نمی‌توانند منتظر بمانند تا تکنولوژی، آن هم تکنولوژی که کشورهای صنعتی آن را برای کشورهای در حال توسعه مجاز می‌دانند و کاملاً فیلترینگ شده است و کشورهایشان را به وابستگی صنعتی تکنولوژیکی گرفتار می‌کند، بسوی آن‌ها جریان یابد. اینگونه کشورها برای افزایش رفاه و آسایش و جبران عقب ماندگی و برطرف نمودن شکاف تکنولوژیکی خود، نیازمند استفاده از متخصصان و سرمایه انسانی بوده و معتقدند همچنان که تجارت آزاد کالا و خدمات، جهانی شدن و موضوعات مشابیه، لطفی به حال آن‌ها نداشته، نمی‌توان به مفید بودن فرار مغزها نیز در آینده امیدوار شد و خروج نیروی انسانی را به حال خود رها کرد (شاه آبادی و دیگران، ۱۳۸۵: ۴۵-۴۴).

۵- نظریه جهانی شدن:

یکی از مرتبط ترین نظریات درباره تاثیر تکنولوژی و ارتباطات بر پدیده فرار مغزها، نظریات جهانی شدن است. جی.ای. شولت بر این باور است که چهار زمینه اصلی شکل‌گیری فرایند جهانی شدن عبارت از (شولت، ۱۳۸۲: ۱۰۸). گسترش عقل‌گرایی، تحول سرمایه داری، نوآوری‌های تکنولوژیکی در ارتباطات و داده پردازی و ایجاد شبکه‌های نظارتی. براین اساس، عامل فناوری‌های نوین سبب برداشتن مرزها شده است و افراد به سمت مکان‌های مختلف جذب می‌شوند. هر جا که قدرت جاذبه بیشتری داشته باشد، افراد به آنجا کشیده خواهند شد. اتنونی گیدنز جهانی شدن را حاوی نیروهای متضاد می‌داند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۷: ۳۵۹). فشار از بالا به پایین (تاثیر عرصه بین‌المللی بر عرصه ملی)، فشار از پایین به بالا (تحركات جدید داخلی) و فشار به اطراف (شکل‌گیری مناطق جدید اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فراتر از مرزهای ملی). بنابراین، افراد متخصص و تحصیل کرده علاوه بر تاثیر پذیری از فشارهای بیرونی و داخلی، خود از توان بیشتری در فشار آوردن به اطراف بهره مند هستند. برخی از نظریات جهانی شدن، اصطلاح فرار مغزها را درست نمی‌دانند و آن را به منزله «تبادل اندیشه‌ها» و «چرخش ایده‌ها» مطرح می‌کنند. از این رو، پل هرست و گراهام تامپسون معتقدند رهاورد اصلی جهانی شدن و ماهیت اصلی آن، تحرک و جابه جایی فزاینده افکار و اطلاعات است (شولت، ۱۳۸۲: ۷). مالکوم واترز معتقد است مهاجرت در فرایند جهانی شدن از بخش‌های کم رونق به بخش‌های پر رونق تر اتفاق می‌افتد (واترز، ۱۳۷۹: ۱۹۹). محیطی که رونق علمی و یا اقتصادی در آنجا بیشتر باشد، توجه بیشتری را به خود جذب خواهد کرد. بی. گبرورلد معتقد است اطلاعات فراهم آمده از رسانه‌های جمعی و جهانی شدن فرهنگی که برآمده از ایده‌های غربی یعنی مصرف، دانش و آزادی فردی است، سبب شده است که جوانان، گروه‌های به حاشیه رانده شده و افراد ناراضی خصوصاً در کشورهای در حال توسعه به جهان غرب مهاجرت کنند. عمده این مسئله به کمبود منابع نیز باز می‌گردد (توکل و عرفان منش، ۱۳۹۳: ۵۰-۴۹).

چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر نظریه ساختار - کارگزار می‌باشد. اصطلاح ساخت یابی که حاکی از وجود قوام بخشی فعال و مستمر بین کارگزار و ساختار است، از جامعه‌شناس تاریخ‌مندگرا، آنتونی گیدنز، اخذ شده است. گیدنز بر دوسویگی یا تأثیر متقابل ساختار و کارگزار در فهم رفتارها و تحولات اجتماعی تأکید می‌کند؛ وی چنین می‌نویسد: منظور من از دوسویگی، آن است که ویژگی‌های ساختاری نظام‌های اجتماعی، هم وسیله و هم نتیجه اعمالی است که از کنشگران سرزده و نظام‌های یادشده را تشکیل می‌دهند؛ ساخت هم مشوق و توان بخش است و هم بازدارنده و محدودیت ساز. براساس مفهوم دو سویگی ساخت، کنشگران در کنشگری به قواعد و منابعی، متوسل می‌شوند اما همان قواعد و منابع از رهگذر همین کنش‌ها نیز دوباره شکل گرفته یا متحول می‌شوند.

لذا از دید وی نمی‌توان هیچ خط تمایز یا تقابلی آشکار میان این دو مفهوم کشید یعنی هم باید به محیط یا بستر ساختاری یا کنش‌های وضعیت مند عاملان انسانی توجه کرد که براساس محدودیت‌ها و مشوق‌های آنها کردارها و کنش‌های کارگزاران انجام می‌شود و هم باید به آگاهی و کنش‌های آگاهانه و اولویت‌های کنشگران و کارگزاران انسانی توجه کرد.

به گفته گیدنز روابط دوگانه بین آنها وجود دارد. تمامی کنش‌های اجتماعی بستگی به ساختار دارند و تمامی ساخت‌ها با کنش اجتماعی سر و کار دارند. عملکردها و ساخت‌ها در جریان‌های فعالیت‌های انسانی در هم تنیده شد دانند. به پیروی از نظریه گیدنز، کارگزاران انسانی به عنوان کارگزاران انسانی، و کارگزاری انسانی به مثابه کارگزاری انسانی تلقی می‌شود. به طور خلاصه اشاره می‌کنیم که با استنتاج از تبیین گیدنز، در این جا کارگزاری انسانی، مجموعه‌ای از شبکه پیچیده‌ای است که عملی به نام مهاجرت یا به طور کلی فرار مغزها را به وجود می‌آورد، و کارگزاران انسانی، کنشگرانی هستند که در اثر شرایط تاریخی - اجتماعی موجود کشور و با گزینش خود، عامل اصلی موضوعی به نام فرار مغزها می‌شوند. گیدنز که تحت تأثیر مارکس، دورکیم، ماکس وبر و بالاخره آلفرد شوتر قرار دارد، می‌خواهد چالش کلان‌نگری مکتب کار کردگرایی و ساختارگرایی و خردنگری کنش متقابل نمادی و پدیدارگرایی را تعدیل کرده و نظریه‌ای تلفیقی بنا نهد (ارشاد و حمایت خواه جهرمی، ۱۳۸۶: ۱۵). به عبارتی روشن تر، او نظریه ساخت یابی خود را از بین دو موضع، که سایر نظریه پردازان آنان را نقطه مقابل یکدیگر تلقی می‌کنند، به وجود می‌آورد، یعنی از بین نظریه‌های مربوط به جمع از یک طرف و نظریه‌های مربوط به فرد از طرف دیگر (استونزه ۱۳۸۳: ۴۲۴).

به نظر گیدنز مسئله اصلی رویاروی نظریه اجتماعی، ارائه پیوند مناسب میان کنشگران و ساختارهای اجتماعی است. نظریه ساختاربندی کوششی است برای چیرد شدن بر «دو گانه انگاری» که به عقیده او پیوسته دامنگیر نظریه‌های دیگر بوده است، دو گانه انگاری که با به کنش گران اولویت می‌دهد یا به ساختارهای اجتماعی (کیوستو، ۱۳۸۳: ۲۰۲) وی چنین می‌اندیشد که ساختارهای کلان اجتماعی در شکل دادن عمل کارگزاران انسانی تأثیر دارد و کارگزار انسانی در ساختن جامعه، به عنوان گسترده ترین ساختار اجتماعی، مؤثر است (ارشاد، ۱۳۸۰: ۳۶۸). بدین ترتیب «دوگانگی ساختار» از نظر گیدنز بدین معناست که ساختارها هم به دست کنشگران انسانی به وجود می‌آید و هم وسیله‌ای است که چنین کنشی به کمک آن صورت می‌گیرد. ساختارها را انسان‌ها ایجاد می‌کنند اما آنها هم کنش انسانی را محدود و امکان پذیر می‌سازند.

سیر تحول تاریخی مهاجرت نخبگان علمی در ایران

تحولات تاریخی مربوط به مهاجرت نخبگان در ایران را می‌توان به دو دسته‌ی قبل و بعد از انقلاب اسلامی تقسیم بندی کرد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

۱- قبل از انقلاب اسلامی

کشور ایران در طول تاریخ شاهد جریان مهاجرین به دلایل مختلف بوده است. از مهاجرت ایرانیان به خارج ایران در دوران پیش از اسلام، اطلاعات چندان دقیقی در دست نداریم. اما آثار به دست آمده در تورفان و ترکستان موید مهاجرت مانویان بدین سامان است، همچنین با گسترش آیین مهر در اروپا می‌توان احتمال داد که با توجه به سیاست زرتشتی‌گرایی ساسانیان، برخی از پیروان این آیین، ایران را ترک کرده باشند، در دوره اسلامی پس از فتح ایران، گروهی از ایرانیان به ویژه عده‌ای از خاندان ساسانیان و آنانی که هنوز به آیین زرتشتی باور داشتند به هند و چین گریختند، بدیهی است که ارباب فن و هنر نیز در میان اینان بسیار بوده‌اند. مهاجرت ایرانیان به هندوستان بعد از یورش‌های مغولان و تیموریان، از مهاجرت‌های گروهی تاریخ است. در زمان یورش مغولان بسیاری از نخبگان ایران زمین به آناتولی گریختند. دوران فرمانروایی صفویان بر ایران نیز، دوره‌ای است که باعث فزونی مهاجرت ایرانیان به شهرهای عثمانی و هند شده است. کوچ ادیبان و نخبگان ایرانی به شبه قاره هند، در این دوره، باعث پیدایش سبک هندی در نظم و گسترش زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره شد. مهاجرت نخبگان و خردورزان، پزشکان، شاعران، حقوقدانان ایرانی به هند چنان بود که منتخب التواریخ تعداد آنان را در دربار اکبرشاه هندی ۳۸ عارف، ۶۹ دانشمند، ۱۵ حکیم، ۱۶۷ شاعر بر می‌شمرد (فلاحی و منوریان، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

قبل از نهضت مشروطه جابه‌جایی‌هایی در دوران ناصرالدین شاه و بعد از آن انجام شد که بعد از نهضت مشروطه و در تداوم ناامنی‌های داخلی، تعدادی از ایرانی‌ها به کشورهای دیگر مهاجرت کردند. به هر حال، جابه‌جایی دوره مشروطه و بعد از آن بیشتر به سبب فقدان امنیت و سخت شدن معیشت بوده است. مهاجرت اقلیت‌های دینی نظیر ارامنه و یهودی‌ها به کشورهای مختلف نظیر آمریکا و جویندگان کار به کشورهای حوزه خلیج فارس نمونه‌هایی از مهاجرت‌های رایج در جامعه است.

در جریان مشروطه خواهی نیز هنگامی که محمد علی شاه، مجلس را به توپ بست مشروطه خواهان به سفارتخانه‌های خارجی در تهران پناه جستند و به کشورهای دیگر گریختند. در میان اینان، روشنفکران و نخبگانی وجود داشتند که تعداد زیادی از آنان در اروپا گرد هم آمدند. در پی انقلاب سوسیالیستی شوروی و در جریان دو جنگ جهانی، بسیاری از اتباع روسیه و ملیت‌های ارمنستان، قزاقستان، گرجستان و... به ایران پناه آوردند. در میان اینان کارشناسان و صاحبان فکر و فن بسیار بودند و در صنعت و هنر (از جمله سینما) و دانش‌های گوناگون منشاء اثر شدند.

اوایل دهه پنجاه میلادی را باید آغاز دوره انتقال متخصصان به خارج از کشور به حساب آورد. به طور مشخص پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تحکیم روابط ایران و آمریکا، شروع دور تازه عملکردهای امپریالیستی در ایران و سیاست‌ها، برنامه‌ها و جریان رشد اقتصادی آغازگر اعزام جدی محصلان به کشورهای خارجی، بالانحص آمریکا بود و رشد اقتصادی یکی از سم‌نگیری‌های خود را متوجه تربیت متخصصان کرد. در سالهای پس از جنگ جهانی دوم که مسئله مهاجرت نخبگان در جهان به صورت یک پدیده آشکار رخ نمود، جریان مهاجرت ایرانیان تحصیل کرده و متخصص نمایان‌تر شد. برخی از کارشناسان اعتقاد دارند که در کشور ما عوامل گریزاننده مغزها همواره نیرومندتر از عوامل جذب کننده بوده است (جانمردی، ۱۳۸۶: ۱۳۰-۱۲۹).

در سال ۱۳۵۰ نزدیک به ۳۰ درصد پزشکان فارغ التحصیل شده از دانشگاه‌های ایران، کشور را ترک کرده و به خدمت بازار کار کشورهای دیگر، از جمله آمریکا در آمدند.

انگیزه اقامت پزشکان جوان ایرانی در ایالات متحده، در سالهای پیش از انقلاب، بیشتر جنبه تخصصی، اجتماعی و سیاسی داشت تا اقتصادی. در مارس ۱۹۷۵ (اسفند ۱۳۵۴) شاه همه احزاب سیاسی ایران را منحل کرد و تنها به یک حزب، یعنی «حزب رستاخیز ملت ایران» اجازه ماندن داد. او از همه ایرانیان، از جمله کارکنان دولت و دانشگاه‌ها خواست که در این

حزب عضو شوند و فقط از عضویت کارکنان نیروهای مسلح در این حزب جلوگیری کرد. شاه در یک سخنرانی اعلام کرد: آنان که اصول این حزب را نمی‌پذیرند و نمی‌خواهند به آن بپیوندند، باید کشور را ترک کنند. در نتیجه شماری از فعالان سیاسی و دانشگاهیانی که نمی‌خواستند واپس زدگی شاه را تحمل کنند، به تدریج کشور را ترک کردند. باتوجه به ماهیت جریان مهاجرت ایرانیان به آمریکا، می‌توان استدلال کرد که بیشتر مهاجران ایرانی تحصیلات عالی داشته‌اند و پس از پایان تحصیل، به دلایل گوناگون در آمریکا ماندگار شده‌اند.

۲- روند مهاجرت نخبگان ایرانی بعد از انقلاب اسلامی

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که با مساله مهاجرت نخبگان و فرار مغزها روبرو بوده و هست. به نظر می‌رسد با وقوع انقلاب اسلامی، به سبب تغییر نظام سیاسی و همچنین بی‌ثباتی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، موج مهاجرت و فرار مغزها از ایران به وجود آمد. روند مهاجرت نخبگان در ایران تا امروز ادامه یافته است و به نظر میرسد علل و عوامل مهمی در این امر تاثیرگذار بوده است. به طور کلی، مهاجرت نخبگان علمی در ایران را زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی تا کنون را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. مقطع اول از زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی تا پایان جنگ و مرحله دوم از پایان جنگ تا امروز. در این بخش، به بررسی روند مهاجرت نخبگان در ایران از زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی تا کنون می‌پردازیم.

الف: روند مهاجرت نخبگان ایرانی از زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۷

از آنجایی که در دوره انقلاب اسلامی تا پایان جنگ، کشور با مسائلی مانند انقلاب اسلامی و جنگ و بی‌ثباتی در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روبرو بود، مهاجرت از ایران تا حد زیادی طبیعی می‌نمود. معمولاً تحولات شدید اجتماعی و سیاسی مانند انقلاب، مهاجرت نخبگان و فرار مغزها را تشدید می‌کند. در بحبوحه انقلاب، یعنی ماه‌های پیش از بهمن ۱۳۵۷ و پس از آن قشر وسیعی، از ایران فرار کردند. اکثر این مهاجرین که نمی‌توان عنوان نخبه را بر آنها نهاد، کسانی بودند که به علت وابستگی به رژیم پهلوی و به دلیل تحت تعقیب بودن یا ترس از تحت تعقیب واقع شدن، مهاجرت کردند.

وقوع جنگ از یک سو و انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها از سوی دیگر، موج دیگری از مهاجرت پس از انقلاب را موجب شد. یک دسته از مهاجران کسانی بودند که به علت جنگ تحمیلی و به سبب طولانی شدن آن، شرایط را برای زندگی مناسب نمی‌دانستند. اینها اغلب کسانی بودند که برای فرار از خدمت سربازی در سنین پایین اقدام به مهاجرت می‌کردند و می‌توانستند در کشورهای غربی به کسب و کار دست یابند و یا کسانی بودند که شرایط اقتصادی و اجتماعی ناشی از جنگ را قابل تحمل نمی‌دانستند. کسانی که در سنین پایین اقدام به مهاجرت می‌نمودند، در کشورهای اروپایی به تحصیل پرداخته و موفق به کسب تخصص می‌شدند. بسته شدن دانشگاه‌ها موجب مهاجرت یا فرار دو دسته از نخبگان شد. یک گروه، متخصصان جوانی بودند که در اوایل انقلاب با اشتیاق فراوان به ایران بازگشته و هر کدام در دانشگاه یا مؤسسه‌ای مشغول به کار شده بودند، اما به دلیل اینکه هنوز به طور پیمانی یا ساعتی به تدریس اشتغال داشتند و به استخدام رسمی در نیامده بودند، با بسته شدن دانشگاه‌ها به کشور محل تحصیلات شان بازگشتند. گروه دوم کسانی بودند که مشمول پاک‌سازی‌های دوران انقلاب از دانشگاه‌ها و مؤسسات و ادارات دولتی شدند (کمیلی، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

ب: روند مهاجرت نخبگان ایرانی از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۹۹

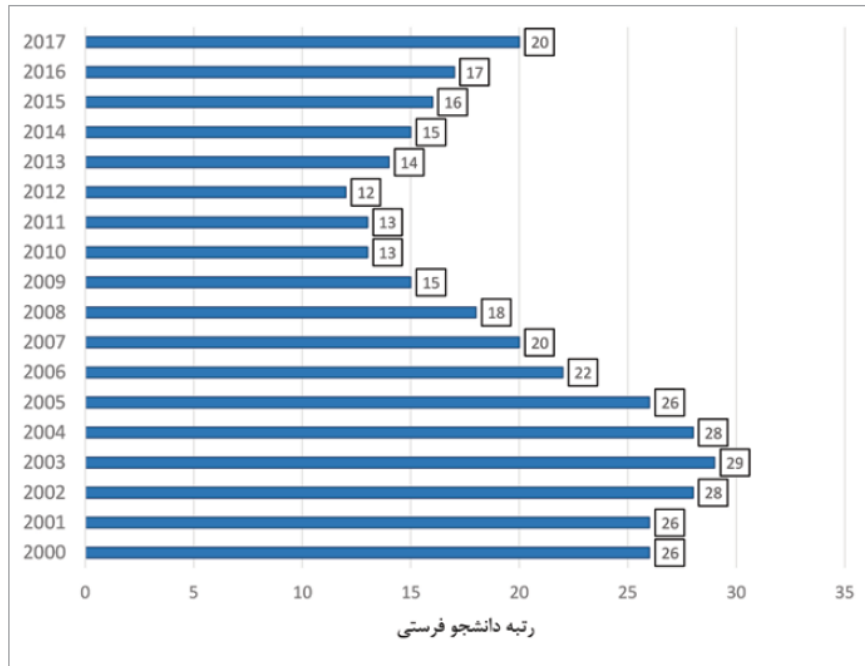
با پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۸، هر چند انتظار می‌رفت مهاجرت نخبگان و فرار مغزها کاهش یابد اما برخی مدارک و شواهد نشان می‌دهد اینگونه نبوده است. البته باید خاطر نشان ساخت مهم‌ترین مانع انجام تحقیقات در این زمینه، فقدان اطلاعات و آمار صحیح و متمرکز چه در کشورهای مهاجر فرست و چه کشورهای مهاجرپذیر از میزان واقعی مهاجرت نخبگان و متخصصان است. پس از پایان جنگ به ویژه از دهه ۱۳۷۰ ایرانیان بیشتر به آمریکا، کانادا و تا حدی به استرالیا و برخی کشورهای اروپایی رفتند.

آنها عموماً دارندگان تحصیلات عالی با سابقه تخصصی در ایران بوده و اکثراً در رشته‌های پزشکی، کامپیوتر، مخابرات و الکترونیک در مراکز تحقیقاتی و شرکت‌های کارآفرین در این رشته‌ها خوش درخشیدند. برای نمونه، کشور آمریکا در مقایسه با دیگر کشورهای غربی چون کانادا، انگلستان و استرالیا بیشترین پزشکان مهاجر ایرانی را در خود جای داده است. براساس آماری که در یک مطالعه در سال ۲۰۰۵ منتشر شد، ۴۰۰۲ پزشک ایرانی مهاجر در آمریکا زندگی می‌کند که نیم درصد پزشکان شاغل در آمریکا را شامل می‌شوند (حاجی یوسفی و بهمد، ۱۳۸۵: ۳۱).

براساس آمارهای غیر رسمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از مجموع ۴۳۰۰ نفر دانشجوی بورسیه که به طور عمده از سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۷۲ (ه.ش) برای ادامه تحصیل به خارج اعزام شده‌اند حدود ۱۲ درصد پس از پایان دوره تحصیلی خود یعنی تا سال ۱۳۷۷ (ه.ش) هنوز باز نگشته بودند. البته احتمال بازگشت درصد کمی از این افراد همچنان وجود دارد، زیرا ممکن است به دلایلی نظیر طولانی تر شدن دوره تحصیلی، ادامه تحصیل یکی از اعضای خانواده و مانند اینها، مدت بیشتری در کشور مقصد بمانند. همین آمارها در این مقطع در مورد اعضای هیئت علمی که به صورت‌های مختلف به خارج رفته و مراجعت نکرده‌اند، نشان می‌دهد از ۲۸ دانشگاه و موسسه آموزش عالی، از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۷ (ه.ش)، ۱۵۱ عضو هیئت علمی تحت عناوین مأموریت تحصیلی (۳ درصد)، فرصت مطالعاتی (۸ درصد) و مرخصی بدون حقوق (۲۹ درصد)، خارج شده و بر نگشته‌اند. متوسط تأخیر این افراد بین ۲۰ تا ۴۳ ماه بوده است. از ۹۶ مورد که رشته تحصیلی شان مشخص است، ۳۴ درصد در گروه فنی و مهندسی، ۲۴ درصد در گروه کشاورزی و دام پزشکی، ۲۳ درصد در گروه علوم پایه، ۱۷ درصد در گروه علوم انسانی و ۲ درصد در گروه هنر بوده‌اند (جهان پور، ۱۳۹۰: ۶۵).

تعداد دانشجویان ایرانی در خارج از کشور به مرور و با افزایش جمعیت دانشجویان به حدود ۵۳ هزار نفر در سال ۱۳۹۶ رسید. علیرغم اینکه تعداد دانشجویان بین‌المللی ایرانی روندی فزاینده داشته است؛ اما تعداد آنها در سال‌های اخیر ثابت شده و در تراز ۵۲ هزار نفر ثابت باقی مانده است.

علی‌رغم اینکه استراتژی‌های جذب دانشجویان بین‌المللی در کشورهای مختلف و افزایش میل به جابه‌جایی در میان دانشجویان موجب رشد سریع جمعیت دانشجویان بین‌المللی در جهان شده است، اما نرخ رشد جمعیت دانشجویان بین‌المللی ایرانی در قیاس با نرخ رشد جمعیت دانشجویان بین‌المللی جهان از سال ۱۳۹۱ روندی کاهشی به خود گرفته و از حدود ۱/۳ درصد به حدود ۰/۹ درصد رسیده است.



شکل ۱ رتبه‌ی دانشجوی فرستی ایران در جهان (۱۳۷۹ تا ۱۳۹۶)

بدین ترتیب، علی‌رغم روند صعودی جمعیت دانشجویان خروجی، اما رتبه ایران در میان کشورهای دانشجویفرست، تغییرات قابل توجهی داشته است. در سال ۱۳۷۹ کشور ایران، دارای رتبه ۲۶ام در اعزام دانشجویان بین‌المللی بوده است که تا سال ۱۳۸۲ روندی صعودی طی کرده و به بیشترین میزان خود، یعنی رتبه ۲۹ جهان نائل می‌گردد. اگر چه در بازه سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۱ میلادی، این رتبه روندی کاهنده به خود می‌گیرد، به طوری که در سال ۱۳۹۱ به کمترین مقدار یعنی رتبه دوازدهم می‌رسد، ولی در ادامه روندی صعودی را طی کرده و به رتبه بیستم دانشجویفرستی در سال ۱۳۹۶ دست می‌یابد.

بر اساس نتایج پیمایش سنجش میل به مهاجرت دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایرانی در سال ۱۳۹۷ توسط رصدخانه مهاجرت ایران که ۹۲۵ نفر در آن شرکت کرده اند، از میان ۳۰ عاملی که در دانشجویان و فارغ‌التحصیلان برای مهاجرت انگیزه ایجاد می‌کند، ناامیدی از اصلاح امور کشور، سطح درآمد و تناسب آن با هزینه‌ها، امکان پیشرفت شغلی، نظم و قانون مداری جامعه، علاقه به کسب سابقه تحصیلی یا کاری در خارج از کشور، شایسته‌سالاری، امکان یافتن شغل و میل به تجربه زندگی در خارج از کشور، به ترتیب هشت عامل اصلی انگیزاننده هستند. همچنین اگرچه پیش از تحولات اقتصادی در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ بواسطه بازگشت تحریم‌ها، حدود ۳۰ درصد از دانشجویان تمایل به مهاجرت داشته اند، اما این تحولات موجب افزایش این میل تا ۶۳ درصد شده است. با این وجود، باید در نظر داشته باشیم که میان تمایل به مهاجرت و اقدام به مهاجرت تفاوت بسیاری است. بنابر پیمایش‌های گالوپ در سال ۱۳۹۶ بیش از ۷۰۰ میلیون نفر از جمعیت جهان میل به مهاجرت دارند (۱۵ درصد از جمعیت جهان). در این سال طبق آمار بانک جهانی، تعداد مهاجران در جهان ۲۶۶ میلیون نفر بوده است. این واقعیت نشان می‌دهد که در کل جهان بسیاری از مردم صرفاً میل به مهاجرت دارند و کمتر برنامه ریزی و اقدام عملی در این مسیر می‌کنند (رصدخانه مهاجرت ایران، ۲۰۱۹).

سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزی جمهوری اسلامی ایران در خصوص مقابله با مهاجرت نخبگان

۱- سیاست‌گذاری و مدیریت مهاجرت نخبگان در بعد اقتصادی

واقعیت مهم پیش روی جامعه ایران حاکی از آن است که بر اساس آمار و اطلاعات مبتنی بر مراجع قابل استناد و همچنین پیمایش‌های صورت گرفته، نیروی محرکه اصلی مهاجرت‌های ایرانیان به خارج از کشور "مسائل و چالش‌های

اقتصادی" است که خود را در قالب کانال‌های مهاجرتی مختلف: جابجائی تحصیلی و دانشجویی، مهاجرت پناهنجویی، مهاجرت کاری و حتی خانوادگی بروز می‌دهد. بالا رفتن چشمگیر "میل به مهاجرت" در میان اقشار مختلف بخصوص در میان دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی بر اثر تحولات اقتصادی در طول سه سال گذشته موید تاثیر اساسی مسائل اقتصادی بر مهاجرت در جامعه ایران است. از طرف دیگر، نرخ چشمگیر بازگشت متخصصان ایرانی به داخل کشور و همچنین میل و رغبت بالای ایرانیان داخل و خارج از کشور جهت حفظ ارتباط با داخل و تلاش در جهت بهبود و اصلاح امور کشور، نشانه‌های امیدوار کننده‌ای برای تلاش در جهت سیاست‌گذاری و برنامه ریزی در این حوزه می‌باشد.

با در نظر گرفتن دو واقعیت فوق الذکر، یک راهکار کلی و بنیادین در سیاست‌گذاری‌های کشور که بر آن تاکید زیادی شده است، ضرورت تغییر رویکرد اقتصاد ایران به سمت بکارگیری نیروهای دانشی و تسریع حرکت هدفمند و نظام مند در جهت "اقتصاد دانش بنیان" با هدف جذب حداکثری سرمایه‌های انسانی تحصیل کرده در داخل کشور و هم چنین انگیزاندن نیروهای متخصص و فارغ التحصیلان خارج از کشور جهت بازگشت به داخل کشور است. بر همین اساس دو سیاست‌گذاری اصلی کشور در این زمینه شامل: ۱- ضرورت سوگیری هدفمند و حرکت بلادرنگ کشور در جهت سیاست‌گذاری داده محور در حوزه مهاجرت نخبگان و ۲- تمرکز بر توسعه اقتصاد دانش بنیان در کشور با هدف ظرفیت سازی برای بکارگیری سرمایه‌های انسانی در داخل و یا زمینه چینی بازگشت متخصصان و فارغ التحصیلان خارج از کشور مطرح است (افشاری، ۱۳۹۹: ۶۱).

۲- سیاست‌گذاری در جهت بازگشت نخبگان به داخل کشور

از دیگر سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران، در جهت مقابله با مهاجرت نخبگان علمی، تلاش برای بازگرداندن آنها با استفاده از مشوق‌های حمایتی است. طرح حمایت از بازگشت نخبگان از پنج سال گذشته (از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰) اجرایی شده است. نرخ بازگشت متخصصان و فارغ التحصیلان ایرانی به داخل کشور از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۲۰ روند صعودی داشته است. به طوریکه بر اساس آمار بدست آمده از معاونت علمی- فناوری ریاست جمهوری، جمعیت متخصصان بازگشته از تراز ۱۰۰ نفر در سال ۲۰۱۵ میلادی به تراز ۱۵۰۰ نفر در سال ۲۰۲۰ رسیده است که این میزان رشد جمعیت متخصصان بازگشتی به کشور در دوران اخیر علی رغم تحولات اقتصادی چند سال گذشته در نوع خود کم نظیر است. مجموع جذب دانشجویان بین‌المللی در داخل کشور و همچنین نرخ بازگشت متخصصان ایرانی باعث ارتقاء شاخص خالص چرخش نخبگان ایرانی از تراز (۰/۴۶-) در سال ۲۰۱۱ به (۰/۳۱-) در سال ۲۰۱۷ شده است.

همچنین در این رابطه، طرح همکاری با متخصصان و دانشمندان ایرانی غیر مقیم نیز در سیاست‌گذاری‌های وزارت علوم دنبال شده است. بر این اساس، به منظور انتقال دانش، تجربه و ایده‌های فناورانه به کشور و هم چنین ایجاد ارتباط مؤثر دانشمندان و متخصصان ایرانی غیرمقیم با هم‌تایان داخلی و مراکز علمی و فناوری منتخب توسط معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و مرکز تعاملات بین‌المللی علم و فناوری طراحی شده و از اسفند سال ۱۳۹۴ به صورت رسمی آغاز شده است. هدف اصلی این طرح ایجاد سازوکاری جهت بهره‌مندی از دانش و تجارت ارزشمند دانشمندان و متخصصان ایرانی غیر مقیم در قالب برنامه‌هایی همچون پسادکتری، فرصت مطالعاتی، اساتید مدعو و معین، فعالیت‌های فناورانه و برگزاری سخنرانی و کارگاه تخصصی با تأکید بر مدل چرخش نخبگان تعریف شده است. از جمله مهم ترین دستاوردهای این طرح می‌توان به ارائه تسهیلات به بیش از هزار و ۴۰۰ نفر از فارغ التحصیلان بازگشتی اشاره کرد.

در سال ۱۳۹۸ دبیرخانه جذب نخبگان در دانشگاه‌ها در بنیاد ملی نخبگان اعلام کرد ۲۰۰ نخبه ایرانی غیرمقیم جذب دانشگاه‌ها شدند و بر این اساس افرادی که مدرک دکتری خود را دریافت می‌کنند می‌توانند از طریق وزارت علوم جذب دانشگاه‌ها شوند. به دنبال برنامه‌ریزی‌هایی که معاونت امور بین‌الملل، معاونت علمی و بنیاد ملی نخبگان داشته، طرحی مبنی بر

بازگشت نخبگان کشور در دستور کار این بنیاد قرار گرفت. در سال ۱۳۹۹ نیز معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری اعلام کرد ایرانیان نخبه غیرمقیم هشت خدمت دریافت می‌کنند. منظور از دریافت هشت خدمت، ارائه تسهیلاتی است که به‌عنوان بسته‌های تشویقی و حمایتی برای جذب نخبگان غیرمقیم ارائه می‌شود تا به این وسیله، علاوه بر ایجاد انگیزه، به فعالیت دانش‌آموختگان و نخبگان خارج از کشور، امکان بهره‌مندی از دانش این افراد در کشور فراهم شود. «حمایت از فعالیت‌های فناورانه و ایجاد شرکت‌های نوپا»، «تسهیلات پسادکتری»، «حمایت از اشتغال در مراکز نوآوری و شتاب‌دهنده‌ها به عنوان مربی و مشاور»، «تسهیلات دوره فرصت مطالعاتی»، «تسهیلات مسکن»، «حمایت از اشتغال در شرکت‌های معتبر داخلی»، «حمایت از برگزاری سخنرانی و کارگاه‌های تخصصی»، «حمایت از همکاری به عنوان اساتید مدعو و معین» نام هشت خدمت اصلی هستند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با حمایت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری به ایرانیان نخبه متخصص و کارآفرین خارج از کشور عرضه می‌شود. براساس این برنامه، شرکت‌های داخلی که ایرانیان نخبه را استخدام کنند می‌توانند مورد حمایت این معاونت قرار بگیرند، علاوه بر انواع حمایت‌های مالی، گزنت و پژوهانه‌های مختلف، ایرانیان نخبه در صورت مراجعه به کشور می‌توانند از تسهیلات رفاهی مانند تسهیلات مسکن برخوردار شوند (مهناپی، ۱۳۹۹: ۲۳).

۳ - تسهیلات اعطایی به برگزیدگان مرحله نهایی المپیاد

در جهت مقابله با مهاجرت نخبگان، جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌گذاری‌های خود، مبادرت به ایجاد تسهیلاتی برای برگزیدگان مرحله نهایی المپیادها کرده است. این تسهیلات به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف: تسهیلات آموزشی

از مهم‌ترین تسهیلات اعطایی به برگزیدگان مرحله نهایی المپیاد می‌توان به تسهیلات آموزشی کرد. بر این اساس طبق ماده دوم «آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون استعدادهای درخشان در دوره تحصیلی کارشناسی ارشد» مصوب ۱۳۹۳/۰۴/۱۱ دانشگاه‌های دولتی کشور اختیار دارند، رتبه‌های ۱ تا ۱۵ مرحله نهایی المپیادهای علمی-دانشجویی را با دریافت معرفی‌نامه از دبیرخانه المپیاد برای ورود به همان رشته یا رشته‌های مرتبط به صورت مازاد بر ظرفیت پذیرش کنند. استفاده از این اختیار توسط دانشگاه‌ها (علی‌الخصوص برای دانشجویان همان دانشگاه) یک رویه عملی تثبیت شده به شمار می‌رود، به نحوی که جز در موارد استثنایی رتبه‌های برگزیده المپیاد همواره در مقطع کارشناسی ارشد پذیرش می‌شوند. طبق «آیین‌نامه امکان‌گذراندن درس‌های اضافی برای دانشجویان دارای استعداد درخشان در دوره کارشناسی ارشد» مصوب ۲۸/۱۱/۱۳۸۳، رتبه‌های اول تا سوم مرحله نهایی المپیاد می‌توانند حداکثر ۱۲ واحد از درس‌های رشته‌های دیگر را انتخاب کنند و همزمان با رشته خود، آن درس‌ها را نیز بگذرانند. دانشگاه در پایان مجاز است گواهی‌نامه‌ای مبنی بر گذراندن درس‌های مذکور به دانشجو اعطا کند. طبق جدول ارزشیابی «آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون استعدادهای درخشان در دوره تحصیلی دکتری» مصوب ۲۷/۰۳/۱۳۹۳ کسب رتبه‌های ۱ تا ۱۵ مرحله نهایی المپیادهای علمی-دانشجویی واجد ۱ تا ۵ امتیاز برای متقاضیان تحصیل در دوره دکتری بدون آزمون خواهد بود؛ این در حالی است که برای مثال دفاع پایان‌نامه با بهترین نمره ممکن یا تألیف یک کتاب بسیار عالی که مرتبط با رشته تحصیلی باشد، هر کدام صرفاً واجد ۴ امتیاز خواهد بود. طبق جدول ارزشیابی پیشنهادی شیوه‌نامه‌های اجرایی آزمون‌های ادوار گذشته نیز به دانشگاه‌ها پیشنهاد شده است که برای برگزیدگان المپیادهای علمی - دانشجویی در مرحله ارزیابی تخصصی آزمون نیمه‌متمرکز ورودی دوره دکتری (Ph.D) امتیاز قائل شوند (بنیاد ملی نخبگان، ۱۳۹۹: ۱۴).

ب: حمایت‌های مالی

رتبه‌های اول تا سوم همه ساله طی جشنی مورد تقدیر قرار می‌گیرند و جوایزی به ایشان تعلق می‌گیرد. طبق «آیین‌نامه اعطای کمک هزینه و بورس تحصیلی به استعدادهای درخشان در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور» مصوب ۱۳۷۹/۰۴/۲۰، رتبه‌های اول تا سوم مرحله نهایی المپیاد در طول تحصیل در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد تا زمانی که بورسیه نشده باشد، از محل صندوق استعدادهای درخشان مستقر در سازمان سنجش آموزش کشور کمک هزینه تحصیلی دریافت خواهد کرد. همچنین بر اساس سیاست‌گذاری وزارت علوم و بنیاد ملی نخبگان کسب رتبه‌های اول تا سوم طبق جدول نخست شیوه‌نامه‌های اعطای جایزه‌های تحصیلی به دانشجویان صاحب استعداد برتر ادوار گذشته در هر سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری برای اخذ جوایز تحصیلی بنیاد ملی نخبگان واجد امتیاز است؛ برای مثال طبق آخرین شیوه‌نامه موجود حسب مقطع تحصیلی متقاضی جایزه بین ۵۰ تا ۳۰۰ امتیاز به رتبه‌های اول تا سوم مرحله نهایی المپیاد تعلق خواهد گرفت. شایان ذکر است که طبق همان شیوه‌نامه امتیاز رتبه نخست المپیاد (در مقطع ارشد) برابر با نگرارش ۴ مقاله در معتبرین مجلات بین‌المللی (Q1) خواهد بود (با فرض اینکه خود داوطلب تنها نویسنده مقاله باشد. در برخی موارد دیده شده است که دانشگاه‌ها نیز مبالغی را به برگزیدگان المپیاد (رتبه‌های ۱ تا ۱۵) پرداخت می‌کنند (بنیاد ملی نخبگان، ۱۳۹۹: ۱۸-۱۹).

ج: تسهیلات نظام وظیفه

از دیگر تسهیلات که در سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با مهاجرت نخبگان ایجاد شده است می‌توان به ایجاد تسهیلاتی در حوزه نظام وظیفه برای برگزیدگان مرحله نهایی المپیادها اشاره داشت. طبق جدول امتیازات «شیوه‌نامه بهره‌مندی دانش‌آموختگان برتر دانشگاهی از تسهیلات خدمت نظام وظیفه تخصصی» مصوب ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ رئیس بنیاد ملی نخبگان، کسب رتبه اول تا سوم در مرحله نهایی المپیاد واجد ۸۰ تا ۱۲۰ امتیاز خواهد بود؛ این در حالی است که برای مثال فارغ‌التحصیلی شدن از مقطع کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی (ضریب هم‌ترازسازی ۱.۰۳) با نمره ۲۰ صرفاً ۱۰۲.۵ امتیاز خواهد داشت (بنیاد ملی نخبگان، ۱۳۹۹: ۲۲).

۳- اعطای کمک‌های مالی در حین تحصیل

بنیاد نخبگان در سیاست‌گذاری‌های خود برای نخبگان، اعطای کمک‌های مالی را در دستور کار خود قرار داده است. در طول مدتی از زمان تحصیل دانشجویان نخبه مبلغی را به عنوان کمک هزینه تحصیلی در اختیار این دانشجویان قرار می‌دهد. با توجه به کمبود امکانات آموزشی و پژوهشی، چنانچه این کمک هزینه به جای اینکه به طور مستقیم در اختیار نخبگان قرار گیرد، برای تجهیز آزمایشگاه‌ها و ایجاد پژوهشکده‌ها صرف می‌شود، رضایت بیشتر خود نخبگان را نیز فراهم می‌کند. پرداخت مستقیم اینگونه مبالغ هنگام خطر بالا بردن توقعات و انتظارات نخبگان را نیز دارد که در صورت عدم برآورده شدن آن، باعث افزایش مهاجرت در بین ایشان خواهد شد. حمایت صحیح و اصولی دولت از کارآفرینی هم مانع از خروج نخبگان می‌شود و هم آمار بیکاری را در کشور کاهش می‌دهد.

۴- سیاست‌گذاری در جهت ایفای نقش محوری در بازار تحرک دانشجویان بین‌المللی

نکته راهبردی دیگر در سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران، کاهش جمعیت و یا محدودیت جابه‌جایی بین‌المللی دانشجویان ایرانی در جهان و تنزل جایگاه ایران در بازار جهانی دانشجویان بین‌المللی است. این موضوع ممکن است از دیدگاه برخی موجب مسرت و خوشحالی باشد. اما با در نظر داشتن نگاه راهبردی ضرورت حفظ سهم پایدار ایران در بازار جهانی "چرخش نخبگان و دانشجویان" به عنوان بخشی از سوخت موتور انتقال و توسعه دانش و فناوری در کشور، یکی از تهدیدهای اصلی این حوزه، کاهش جمعیت دانشجویان ایرانی در جهان و یا محدودیت جابه‌جایی بین‌المللی آنها است. زیرا جابه‌جایی بین‌المللی دانشجویان و متخصصان سهم مهمی در توسعه دانش و فناوری و حتی افزایش قدرت نرم کشورهای در

حال توسعه اعم از ایران ایفا می‌کند. لذا همواره در سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران، حفظ و حراست بخشی از سهم و جایگاه ایران در بازار بین‌المللی "چرخش نخبگان بسیار مهم و حیاتی است. همچنان که در چند ماه پیش از شیوع کرونا، سیاست‌های محدود کننده دولت آمریکا در ورود دانشجویان و متخصصان ایرانی و چینی موید این موضوع است که دسترسی به منابع دانش و فناوری روز دنیا به یکی از دغدغه‌های دولت‌ها در منازعات و رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است (حسینی، ۱۳۹۹: ۲۱).

از سوی دیگر، همراه با رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته، تقاضا برای جذب مهاجران تحصیل کرده و متخصص به نسبت نیروی کار ساده به شدت رو به افزایش است. جابه جایی دانشجویان در سطح بین‌المللی، یکی از مهم ترین انواع مهاجرت‌های قانونمند، منظم و امن است، به همین دلیل در سال‌های اخیر کشورهای بسیاری سعی در بکارگیری رویکرد چرخش دانشجویان و نخبگان داشته‌اند. جذب و اعزام دانشجویان خارجی، یکی از شاخص‌های مهم مرتبط با بین‌المللی شدن آموزش عالی است. افزایش و کاهش رتبه کشور در این شاخص، بیانگر میزان آمادگی یا عدم آمادگی فضای ملی، شامل زیرساخت‌های آموزشی، پژوهشی، رفاهی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی برای این موضوع است (حسینی مقدم، ۱۳۹۶: ۶۹). طبق هدف و سیاست‌گذاری صورت گرفته در قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه، تعداد دانشجویان بین‌المللی در ایران تا پایان سال ۱۴۰۰ باید به ۷۵ هزار نفر افزایش یابد. هم چنین طبق این قانون تعداد دانشگاه‌هایی که جزو صد دانشگاه برتر آسیا هستند از ۶ باید به ۱۰ برسد و تعداد شعب خارجی دانشگاه‌ها نیز بایستی از ۶ به ۱۶ شعبه برسد (سازمان برنامه و بودجه کشور ۱۳۹۶: ۹۹).

۵- سیاست‌گذاری در حوزه پژوهش

در سال ۱۳۸۴. ش، تولید ناخالص داخلی، معادل ۱۶۹۷۳۰۵ میلیارد ریال، اعتبارات قانون بودجه معادل ۱۷۵۹۷۵۰ میلیارد ریال و سهم پژوهش از اعتبارات قانون بودجه برابر با ۱۳۱۷۱ میلیارد ریال بوده که این مقادیر در سال ۱۳۸۷. ش، به ترتیب به ۳۴۹۴۸۵۱ میلیارد ریال، ۲۲۴۲۸۸۱ میلیارد ریال و ۴۶۵۱۸ میلیارد ریال رسیده است (محمدنژاد عالی زمینی، ۱۳۸۷: ۱۹۹) که سهم پژوهش از اعتبارات قانون بودجه به نسبت سال ۱۳۸۴. ش، ۶۰/۱ درصد رشد داشت (محمدنژاد عالی زمینی، ۱۳۸۷: ۲۰۰). بنابراین، نسبت اعتبارات پژوهش از اعتبارات قانون بودجه به کل اعتبارات قانون بودجه از ۰/۷۶ درصد به ۲/۰۷ و نسبت اعتبارات پژوهش از اعتبارات قانون بودجه به تولید ناخالص داخلی از ۰/۷۸ درصد به ۱/۳۳ درصد افزایش یافته است. رشد اعتبارات پژوهشی در سال ۱۳۸۷. ش به طور عمده به دلیل پیش بینی مفاد بند ۲۶ قانون بودجه سال ۱۳۸۷. ش کل کشور مبنی بر اختصاص یک درصد از درآمد عملیاتی شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت به امر پژوهش است (محمدنژاد عالی زمینی، ۱۳۸۷: ۱۹۹).

آسیب شناسی سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران

۱- آسیب‌های ناشی از سیاست‌گذاری‌های پژوهشی

براساس آمار و اطلاعات یونسکو در سال ۱۹۹۸. م میانگین شاخص سهم اعتبارات پژوهشی از تولید ناخالص ملی در کل جهان ۰/۹۱ درصد برآورد شده است که بیشترین رقم آن مربوط به کشور سوئد (۴/۳ درصد) و کم ترین مقدار آن برای کشورهای رواندا، پاناما، قرقیزستان و مالتا (صفر درصد) بوده است. مقدار این شاخص برای ایران ۰/۵ درصد برآورد شده که نسبت به کل جهان رتبه ۷۰ از ۱۰۰ را داشته است (مهدیانی، ۱۳۷۹: ۶).

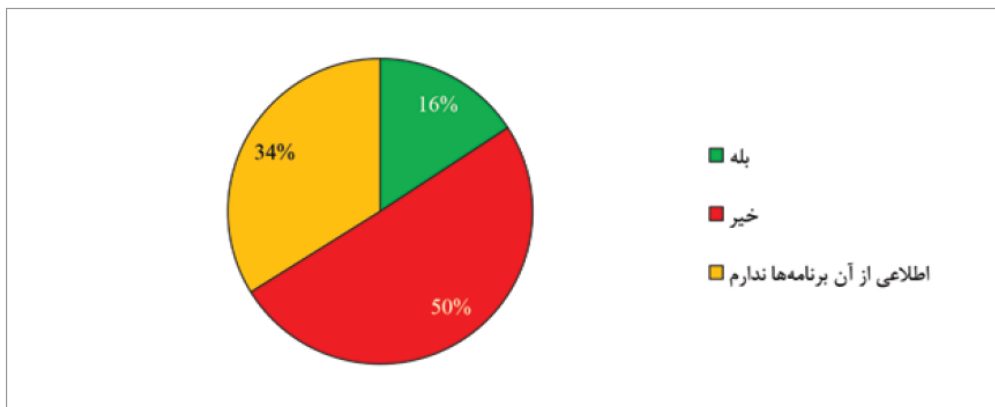
پژوهشکده‌ی تحقیقات راهبردی در سال ۱۳۹۶. ش در گزارشی تحت عنوان «نگاهی به پژوهش و فناوری در لایحه بودجه سال ۱۳۹۶» نگرانی خود را از روند نزولی اعتبارات پژوهش در بودجه کل کشور به صورت مقایسه اعتبارات پژوهشی در سال‌های اخیر نشان داده است. از اعداد و ارقام این جدول ملاحظه می‌شود که از سال ۱۳۸۴. ش که بالاترین درصد سهم

اعتبارات تحقیقاتی از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده، همواره این درصد کاهش یافته است اما به دلیل افزایش تولید ناخالص داخلی رقم اختصاص یافته تا سال ۱۳۹۶. ش بیشتر از سال قبل بوده است اما در لایحه بودجه سال ۱۳۹۶ هم درصد و هم رقم اعتبار کاهش یافته است (قره یاضی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳).

از طرف دیگر هفته نامه برنامه، سهم پژوهش از تولید ناخالص داخلی (بدون احتساب اعتبارات پژوهشی شرکت‌های دولتی) را در سال ۱۳۸۰. ش معادل ۰/۴۰ درصد و در سال ۱۳۸۹. ش معادل ۰/۴۲ درصد و هم چنین درصد رشد اعتبارات پژوهشی سال ۱۳۸۹. ش نسبت به سال ۱۳۸۸. ش را معادل ۱/۴ درصد ذکر کرده است و مجموع سهم پژوهش از تولید ناخالص داخلی (با احتساب اعتبارات پژوهشی شرکت‌های دولتی) را برای سال ۱۳۸۸. ش معادل ۰/۵۸ درصد، و برای سال ۱۳۸۹. ش معادل ۰/۵۱ درصد و رشد اعتبارات پژوهشی را ۱۲/۲ - درصد (کاهش) نسبت به سال ۱۳۸۸. ش ذکر شده است (میرترابی و خاوری نژاد، ۱۳۹۳: ۲۱۸-۲۱۷).

۲- عدم اطلاع رسانی مناسب نسبت به برنامه‌های حمایتی

یکی دیگر از مسائل حائز اهمیت در برقراری ارتباط با تعداد بیشتری از دانشجویان و تحصیل کردگان مهاجر، اطلاع رسانی مناسب نسبت به برنامه‌های حمایتی دولت است. در پرسشنامه "عوامل موثر بر خروج و بازگشت ایرانیان مهاجر" که در سال ۱۳۹۶ اجرا شده است حدود نیمی از افراد اذعان کرده‌اند که از این برنامه‌ها بهره‌مند شدند و حدود ۳۴ درصد نیز نسبت به برنامه‌های حمایتی دولت اطلاعی ندارند و در صورت افزایش آگاهی بخشی در این زمینه، میل به بازگشت و جمعیت دانشجویان و متخصصان ایرانی خارج از وطن می‌تواند افزایش یابد. این موضوع در نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار ۱۴۹- پاسخ ایرانیان خارج از کشور به سوال "آیا تا کنون به عنوان مهاجر ایرانی از برنامه‌های حمایتی دولت بهره‌مند شده‌اید؟"

۳- آسیب شناسی سیاست‌گذاری‌های ناشی از تحرک دانشجویان بین‌المللی

سهم کشور ایران از تحرک دانشجویان بین‌المللی بسیار اندک است. این سهم اندک، با اهداف مندرج در سند چشم انداز یعنی تبدیل شدن به قدرت اول منطقه در عرصه علم و فناوری هم خوانی ندارد (ذاکر صالحی و صالحی نجف آبادی، ۲۰۱۳). به عبارت دیگر، از یک طرف، افزایش تعداد دانشجویان ایرانی در خارج از کشور، از حدود ۱۹ هزار نفر در سال ۲۰۰۳ تا حدود ۵۳ هزار نفر در سال ۲۰۱۷، با کاهش سهم دانشجویان ایرانی از کل بازار دانشجویان بین‌المللی جهان از حدود ۱/۳ درصد تا حدود ۰/۹ درصد همراه بوده است. هم چنین تاکنون هیچ آمار دقیق و مشخصی از میزان بازگشت ایرانیان خارج از وطن تهیه نشده است، برنامه‌ای نیز در راستای بازگرداندن این افراد برای خدمت به کشور، بکار گرفته نشده است. تنها اقدامی که در این راستا شکل گرفته، طرح همکاری با متخصصان و دانشمندان ایرانی غیر مقیم است که به منظور تسهیل

شرایط ایرانیان بازگشتی و توسط معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و مرکز تعاملات بین‌المللی علم و فناوری از سال ۱۳۹۴ ایجاد شده است و موجب ارائه تسهیلات به بیش از هزار و ۵۶۰ نفر از فارغ التحصیلان بازگشتی شده است. از طرف دیگر، تعداد دانشجویان بین‌المللی در ایران طی سال‌های تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ تا ۹۸-۱۳۹۷ با رشدی تقریباً ۴/۵ برابری همراه بوده است و از ۴ هزار و ۵۱۲ نفر در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ به ۲۱ هزار و ۶۰۱ نفر در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ رسیده است. کشور افغانستان با اعزام حدود ۱۳ هزار و ۸۰۰ دانشجوی، عراق با ارسال ۲ هزار و ۸۱۰ دانشجو و لبنان با ارسال حدود ۳۷۰ دانشجوی بین‌المللی، مهم‌ترین کشورهای دانشجویی هستند که در مجموع ۸۶ درصد از جمعیت دانشجویان بین‌المللی در ایران را تشکیل می‌دهند. بنابر این همان‌طور که از آمار نیز مشهود است، ایران در میان کشورهای جاذب دانشجویان بین‌المللی، کشور شاخصی به حساب نمی‌آید (صلواتی و همکاران، ۱۳۹۷) و علیرغم اینکه کشورهای منطقه در یک رقابت جدی، برنامه‌های بلند پروازانه‌ای برای جذب دانشجویان خارجی تدارک دیده‌اند، در کشور ما نوعی بی‌تصمیمی و خلأ راهبرد کلان ملی در این زمینه مشهود است (پیلوار و همکاران، ۱۳۹۸).

بررسی وضعیت ایران به لحاظ دو شاخص توسعه منابع انسانی و رقابت پذیری برای استعدادها نشان می‌دهد که کشور ایران به لحاظ پرورش نیروی انسانی ماهر در وضعیت مناسبی قرار دارد اما در شاخص رقابت‌پذیری برای استعدادها از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. اگرچه ایران از توانایی بالایی برای رشد و پرورش نیروی انسانی ماهر برخوردار است اما مهارت این نیروها بدون توجه به نیازهای داخلی و با تمرکز بیشتر بر مسائل کشورهای غربی و پیشرفته پرورش یافته و عملاً امکان بهره‌مندی از تمام استعداد و توانایی این نیروها در داخل به دلیل عدم وجود بسترهای مناسب وجود ندارد. این امر می‌تواند زمینه دلسردی متخصصان ایرانی را نسبت به اثرگذاری و حل مشکلات داخلی فراهم آورده و آنها را روانه کشورهای کند که در جستجوی این استعدادها هستند. ایران از جمله کشورهایی است که در حال گذار برای تبدیل شدن به یک کشور برنامه‌محور در حوزه آموزش عالی است. اهتمام به بین‌المللی شدن آموزش عالی از طریق جذب دانشجویان خارجی و تسهیل بازگشت دانشجویان ایرانی خارج از کشور، در اسناد بالادستی مورد توجه قرار گرفته است، اما بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران از بعد عملی پیشرفت چندانی نداشته است. در نتیجه به واسطه اعمال برنامه‌های محدودی که اخیراً در راستای جذب دانشجویان خارجی یا بازگرداندن دانشجویان خود از خارج از کشور انجام شده است، بخشی از خسارات ناشی از خروج سرمایه انسانی ایران جبران شده است و بهبود نسبی در خالص جذب دانشجویان بین‌المللی در این کشور مشاهده می‌شود. با این وجود، اگر پیاده‌سازی سیاست‌های هدف‌گذاری شده در کشور به درستی صورت گیرد، امکان گذار ایران به یک کشور برنامه‌محور وجود دارد و بدیهی است که توجه به مسائل و مشکلات داخلی در پرورش متخصصان و فارغ التحصیلان دانشگاهی و ایجاد بسترهای مناسب برای بکارگیری این سرمایه‌های انسانی، علاوه بر حفظ و نگهداشت و برخورداری از منافع آنها در کشور، می‌تواند ایران را در سال‌های آتی به کشوری ممتاز در زمینه‌های علمی و تکنولوژیک در سطح منطقه‌ای و جهانی بدل نماید.

۴- آسیب‌های ناشی از عدم بسترسازی مناسب برای نخبگان

بررسی وضعیت ایران به لحاظ دو شاخص توسعه منابع انسانی و رقابت پذیری برای استعدادها نشان می‌دهد که کشور ایران به لحاظ پرورش نیروی انسانی ماهر در وضعیت مناسبی قرار دارد اما در شاخص رقابت‌پذیری برای استعدادها از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. شاهد این مدعا، رتبه ایران در دو مولفه انتشارات علمی و کیفیت مراکز آموزشی (پیلار نوآوری در شاخص رقابت‌پذیری جهانی است که هر ساله توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌شود و در سال ۲۰۱۹ کشور ایران به ترتیب در دو شاخص ذکر شده رتبه ۴۲ و ۱۵ را به خود اختصاص داده است اما بررسی وضعیت ایران در شاخص رقابت‌پذیری برای استعدادها نشان می‌دهد که ایران به جز در مولفه مهارت‌های دانش جهانی (رتبه ۶۳ در سال ۲۰۱۹) در

بقیه شاخص‌ها از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. مقایسه مولفه‌های مهارت‌های دانش جهانی از شاخص رقابت پذیری برای استعدادها (GTCI) و مهارت فارغ التحصیلان دانشگاهی (رتبه ۱۳۶ در سال ۲۰۱۹) در ایران از شاخص رقابت پذیری جهانی بیانگر این واقعیت است که اگر چه ایران از توانایی بالایی برای رشد و پرورش نیروی انسانی ماهر برخوردار است اما مهارت این نیروها بدون توجه به نیازهای داخلی و با تمرکز بیشتر بر مسائل کشورهای غربی و پیشرفته پرورش یافته و عملاً امکان بهره‌مندی از توانایی این نیروها در داخل به دلیل عدم وجود بسترهای مناسب وجود ندارد (عزتی، ۱۴۰۰: ۲۶). بنابراین در سیاست‌گذاری‌های اتخاذی از سوی جمهوری اسلامی ایران، غفلت از نیازها و مسائل داخلی در شکل‌گیری نظام مهارتی فارغ التحصیلان دانشگاهی و همچنین عدم وجود بسترهای مناسب بکارگیری این متخصصان موجب ایجاد شکافی عمیق میان کیفیت متخصصان و فارغ التحصیلان دانشگاهی با سطح مهارتی این متخصصان و فارغ التحصیلان شده است. این امر می‌تواند زمینه‌های دل‌سردی و ناامیدی متخصصان ایرانی را نسبت به اثرگذاری و حل مشکلات داخلی فراهم آورده و آنها را روانه کشورهای کند که قدرت این استعدادها هستند. بدیهی است که توجه به مسائل و مشکلات داخلی در پرورش متخصصان و فارغ التحصیلان دانشگاهی و ایجاد بسترهای مناسب برای بکارگیری این سرمایه‌های انسانی علاوه بر حفظ و نگهداشت و برخورداری از منافع آنها در کشور، می‌تواند ایران را در سال‌های آتی به کشوری ممتاز در زمینه‌های علمی و تکنولوژیک در سطح منطقه‌ای و جهانی بدل نماید.

۵- مشکلات نخبگان در برقرار ارتباط مناسب با سایر افراد

یکی از مشکلاتی که در بسیاری از نخبگان به خصوص دانشجویان المپیادی دیده می‌شود، ضعف آنها در برقراری ارتباط مناسب با سایر افراد است. نخبگان عموماً دارای هوش هیجانی (E.Q) پایین‌تری نسبت به عموم جامعه هستند که باعث برخی رفتارهای خاص مانند حساس و زودرنج بودن ایشان می‌شود. در یکی از دانشگاه‌های صنعتی کشور جدا کردن نخبگان از بدنه دانشجویی به این ضعف دامن زد و علاوه بر اینکه فرهنگ مهاجرت را در بین ایشان بیش از پیش گسترش داد، باعث رواج برخی از رفتارهای ناهنجار در بین آنها نیز شد. وضعیت به حدی رسید که بعد از حدود هفت سال از تأسیس این خوابگاه خود مسئولان دانشگاه آن را تعطیل کردند (فرتوک زاده و اشراقی، ۱۳۸۸: ۱۶۰-۱۵۹). در سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران، توجهی به جنبه‌های روانشناختی دانشجویان نخبه و المپیادی نشده است.

۶- آسیب شناسی مقررات برای استعدادهای درخشان

اگر چه زمان شناسایی، روش‌های شناسایی و الگوهای پرورش استعدادهای برتر، بسیار متنوع است و هر کدام از این روش‌ها و الگوها موافقان و مخالفان خاص خود را دارند، اما توجه ویژه به نخبگان و برنامه‌ریزی برای پرورش آنان در اغلب کشورهای جهان به‌عنوان موضوعی بسیار مهم و استراتژیک تلقی می‌شود. در ایران نیز به‌نوبه خود به این موضوع توجه شده است. استعدادهای برتر - همان‌طور که از نام آن پیداست - این ظرفیت را دارند تا در صورت فراهم شدن زمینه مناسب با سرعت و کیفیت بالاتری از روند معمول افراد، مراحل پیشرفت را طی نمایند. هم‌اکنون برخی از مقرراتی که برای استعدادهای درخشان تصویب شده‌اند، مانند معافیت از پرداخت وثیقه هنگام خروج از کشور، امر خروج را برای نخبگان تسهیل می‌سازد که خود این موضوع سبب افزایش اقدام برای خروج از کشور در بین نخبگان شده است.

۷- آسیب‌های ناشی از اعطای کمک‌های مالی در حین تحصیل

چرخ اصلی فناوری را در کشورهای مختلف نخبگان می‌چرخانند و نخبگان هر کشوری سرمایه آینده برای آن کشور به شمار می‌آیند. جمهوری اسلامی ایران با آگاهی از این امر، در تلاش بوده است با استفاده از مشوق‌های مختلف از جمله کمک‌های مالی، نخبگان را ترغیب به ماندن در کشور کند. در این زمینه، اقدامات خوبی در این زمینه صورت گرفته است، ولی این اقدامات کافی نیست. هنوز هم دولت و بانکها حاضر به پذیرش ریسک نیستند و بسیاری از طرح‌های نخبگان در

زمینه کارآفرینی را خیلی راحت کنار می‌گذارند و به سراغ طرح‌های با سود بالای تضمینی در کوتاه مدت می‌روند. طبیعتاً افزایش فرصت‌های کارآفرینی در کشور علاوه بر اینکه مهاجرت نخبگان را به شدت کاهش خواهد داد، آمار بازگشت نخبگان و بازگشت سرمایه‌ها به کشور را نیز بهبود می‌بخشد (مهری، ۱۳۹۲: ۶۱).

در زمینه فعالیت‌های فرهنگی باید توجه کرد که در کشور ایران برای کسانی که در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند، حتی بعضاً مستقل از سطح آن دانشگاه، ارزش بیشتری برای دانش آموختگان دانشگاه‌های داخل کشور قایل می‌شوند. این اشکال فرهنگی خود مشوق مهاجرت نخبگان از کشور است. درخواست رزومه انگلیسی از دانشجویان در درس زبان عمومی، برگزاری جلسات آشنایی با مزایای تحصیل در سایر کشورها (عموماً کشورهای آسیای جنوب شرقی نظیر مالزی و سنگاپور) در دانشگاه و فعالیت‌هایی از این قبیل باعث تقویت فرهنگ مهاجرت در بین دانشجویان می‌شود.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با مهاجرت نخبگان، سیاست‌گذاری‌هایی را در دستور کار قرار داده است. بر اساس نظریه ساخت یابی گیدنز که به عنوان چارچوب نظری این پژوهش مطرح است، تئوری ساخت یابی به بیان جریان تولید، بازتولید و انتقال ساخت‌ها می‌پردازد. در این تعریف به پیدایش و تولید ساخت تحت شرایط گوناگون و به جریان بازتولید و تبدیل و تغییر ساخت‌ها اشاره نموده است. به عبارت دیگر گیدنز جامعه سازی را تحت عنوان ساخت یابی، ساخت سازی، بازتولید ساخت با به کارگیری مفهوم «ساخت دوتایی» که مفهوم مرکزی تئوری اش می‌باشد، بیان می‌کند. به نظر وی بازتولید ساختی به واسطه ی کنش انسانی به عنوان کارگزار و واسط صورت می‌گیرد. بر این اساس، در بعد اقتصادی، سیاست‌گذاری اصلی کشور در این زمینه مقابله با مهاجرت نخبگان عبارت است از: ۱- ضرورت سوگیری هدفمند و حرکت بلادرنگ کشور در جهت سیاست‌گذاری داده محور در حوزه مهاجرت نخبگان و ۲- تمرکز بر توسعه اقتصاد دانش بنیان در کشور با هدف ظرفیت سازی برای بکارگیری سرمایه‌های انسانی در داخل و یا زمینه چینی بازگشت متخصصان و فارغ التحصیلان خارج از کشور مطرح است.

از دیگر سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، تلاش در جهت بازگشت نخبگان به داخل کشور است. در این رابطه، طرح همکاری با متخصصان و دانشمندان ایرانی غیر مقیم نیز در سیاست‌گذاری‌های وزارت علوم دنبال شده است.

تسهیلات اعطایی به برگزیدگان مرحله نهایی المپیاد از دیگر سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران است. این تسهیلات به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که از مهم‌ترین آنها می‌توان به تسهیلات آموزشی، حمایت‌های مالی، تسهیلات نظام وظیفه و اعطای کمک‌های مالی در حین تحصیل اشاره داشت.

از دیگر سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، تلاش در جهت ایفای نقش محوری در بازار تحرک دانشجویان بین‌المللی بوده است. جمهوری اسلامی ایران در تلاش بوده است با جذب دانشجویان خارجی، خلاهای ناشی از مهاجرت نخبگان داخلی را جبران نماید.

در حوزه پژوهش نیز سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران مبانی بر حمایت از ایده‌های خلاق پژوهشی و افزایش بودجه مربوط به این مهم بوده است.

با این حال، باید اشاره داشت که سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران با آسیب‌هایی مواجه بوده است که نتوانسته است از مهاجرت نخبگان جلوگیری نماید. مهم‌ترین آسیب‌ها در بعد پژوهشی این مساله است که با وجود اینکه در سیاست‌گذاری‌ها، اهمیت زیادی به بودجه‌های پژوهشی داده شده است با این حال، از سال ۱۳۸۴. ش که بالاترین درصد سهم اعتبارات تحقیقاتی از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده، همواره این درصد کاهش یافته است اما به دلیل افزایش تولید ناخالص داخلی رقم اختصاص یافته تا سال ۱۳۹۶. ش بیشتر از سال قبل بوده است اما در لایحه بودجه سال

۱۳۹۶ هم درصد و هم رقم اعتبار کاهش یافت. این بی توجهی به امر بودجه، باعث نارضایتی نخبگان و در نتیجه مهاجرت آنان بوده است.

از سوی دیگر، عدم اطلاع رسانی مناسب نسبت به برنامه‌های حمایتی از دیگر آسیب‌های سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران است. با وجود اینکه برنامه‌های حمایتی بسیاری از سوی مسئولین ترتیب داده شده است با این حال، بی اطلاعی نخبگان از این مهم زمینه ساز مهاجرت آنان بوده است.

آسیب‌های ناشی از سیاست‌گذاری‌های در تحرک دانشجویان بین‌المللی نیز از دیگر مسائلی است که باید به آن اشاره داشت. با وجود اینکه در سیاست‌گذاری‌ها، بر اهمیت تحرک دانشجویان بین‌المللی تاکید شده است با این حال، سهم کشور ایران از تحرک دانشجویان بین‌المللی بسیار اندک است. این سهم اندک، با اهداف مندرج در سند چشم‌انداز یعنی تبدیل شدن به قدرت اول منطقه در عرصه علم و فناوری هم خوانی ندارد.

عدم بسترسازی مناسب برای نخبگان از دیگر آسیب‌های سیاست‌گذاری است. ایران در شاخص رقابت‌پذیری برای استعدادها از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. شاهد این مدعا، رتبه ایران در دو مولفه انتشارات علمی و کیفیت مراکز آموزشی است. بررسی وضعیت ایران در شاخص رقابت‌پذیری برای استعدادها نشان می‌دهد که ایران به جز در مولفه مهارت‌های دانش جهانی (رتبه ۶۳ در سال ۲۰۱۹) در بقیه شاخص‌ها از وضعیت مناسبی برخوردار نیست.

از سوی دیگر، مقررات برای استعدادهای درخشان نیز از دیگر آسیب‌های موجود در سیاست‌گذاری است. هم‌اکنون برخی از مقرراتی که برای استعدادهای درخشان تصویب شده‌اند، مانند معافیت از پرداخت وثیقه هنگام خروج از کشور، امر خروج را برای نخبگان تسهیل می‌سازد که خود این موضوع سبب افزایش اقدام برای خروج از کشور در بین نخبگان شده است.

بی‌توجهی به نخبگان برخی حوزه‌ها از جمله علوم انسانی نیز از دیگر آسیب‌های سیاست‌گذاری است. نخبگان حوزه علوم انسانی معتقدند نخبگان علوم انسانی در همه سطوح بنیاد از در نظر گرفتن ملاک‌های شناسایی، قوانین و مصوبات و اعطای تسهیلات تا برنامه ریزی برای جلوگیری از فرار مغزها مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند.

- ارشاد، فرهنگ. ۱۳۸۹. مبانی نظری فرار مغزها برحسب شکل گیری الگوهای مختلف آن در شرایط کنونی. فصلنامه مسائل اجتماعی ایران. شماره ۵.
- ارشاد، فرهنگ. ۱۳۸۰. مبانی نظری فرار مغزها بر حسب شکل‌های مختلف آن در شرایط کنونی. انجمن جامعه‌شناسی ایران. شماره ۵.
- ارشاد، فرهنگ و مجتبی‌حمایت خواه جهرمی. ۱۳۸۶. بررسی عوامل موثر بر تمایل به برون کوچی نخبگان علمی ایران. فصلنامه توسعه انسانی، دوره اول، شماره ۳.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری. ۱۳۸۷. مهاجرت نخبگان و پیامدهای آن. تهران: نشر وصال.
- استونزه، راب. ۱۳۸۳. متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. ترجمه مهرداد میردامادی. تهران: نشر مرکز.
- توکل، محمد و ایمان عرفان منش. ۱۳۹۳. فراتحلیل کیفی مقالات علمی ناظر بر مسئله فرار مغزها در ایران. بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۵، شماره ۱.
- جانمردی، مهوش. ۱۳۸۶. مطالعه جامعه‌شناختی پدیده مهاجرت نخبگان در ایران از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۸۵ (مورد مطالعه: سقز در استان کردستان). فصلنامه پیک نور. سال هفتم، شماره ۳.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و سمیه بهمرد. ۱۳۸۵. چرایی مهاجرت نخبگان از ایران پس از پایان جنگ تحمیلی. پژوهشنامه علوم سیاسی. شماره ۴.
- رصد خانه مهاجرت ایران، ۲۰۱۹.
- شاه آبادی، ابوالفضل. ۱۳۸۵. نگاهی به پدیده فرار مغزها. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی. شماره ۳۹.
- شولت، یات آرت. ۱۳۸۲. نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن. ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- صادقی، محمد و سیدعلی افقی. ۱۳۸۴. نقش دانشگاهها در کاهش مهاجرت نخبگان. فصلنامه رهیافت. شماره ۳۶.
- فراجادی، غلامعلی. ۱۳۷۰. فرار مغزها و اثرات آن در کشورهای جهان سوم. تهران: سمینار برنامه ریزی و توسعه.
- فلاحی، کیومرث و عباس منوریان. ۱۳۸۷. بررسی عوامل مهاجرت نخبگان (سرمایه انسانی) و ارائه راهبردهای مناسب برای پیشگیری از این پدیده. مجله دانش و توسعه. سال پانزدهم، شماره ۲۴.
- کمیلی، محمدرضا. ۱۳۸۵. چرایی مهاجرت نخبگان. تهران: نشر آدینه.
- کیوستیو، پیتر. ۱۳۸۳. اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گودرزی، محسن و اسماعیل فیض اربابی. ۱۳۸۳. خروج نیروهای متخصص از کشورهای جهان سوم، گزیده مقالات سازمان برنامه و بودجه، دفتر جمعیت و نیروی انسانی.
- لهسایی زاده، غلامعلی. ۱۳۶۸. جامعه‌شناسی توسعه. تهران: نشر زرگر.
- واتزر، یان. ۱۳۷۹. جامعه‌شناسی مدرن. ترجمه وحید دستگردی. تهران: نشر علوم نوین.